

بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمْ» و «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» با تأکید بر ارتباط آیات^۱

* محمدحسین برومند
** امیر جودوی
*** سامیه شهبازی

چکیده

مفسران در تفسیر فرازهای: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمْ» و «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» در سوره انعام درباره امکان یا عدم امکان بیان کذب در روز قیامت و اینکه کافران در این آیه درباره چه چیزی دروغ می‌گویند، اختلاف نظر داشته و آراء ایشان در سه دسته اصلی قابل تقسیم است. این پژوهش با بررسی آراء و دلایل ارائه شده توسط مفسران و با توجه به ارتباط آیات نشان می‌دهد بیان دروغ در قیامت ممکن است. همچنین درباره اینکه مشرکان در این آیات درباره چه چیزی دروغ می‌گویند، نشان می‌دهد جدای از بحث صدق و کذب آرزو و وعده که توسط مفسران مطرح شده است، در این آیه احساس یا مفهومی از ابراز ایمان وجود دارد که مفسران به آن نپرداخته‌اند. توجه به عبارتهایی که در همین آیات و آیات قبل و بعد آنها آورده می‌شود، نشان می‌دهد مشرکان در ظاهر تسلیم شده و ایمان آورده‌اند و دروغ در این آیه مربوط به همین ابراز ایمان مشرکان است.

واژگان کلیدی

آیات ۲۴ و ۲۸ انعام، تفسیر تطبیقی، دروغ در قیامت.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانش‌آموخته محترم است.
*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه یزد (نویسنده مسئول).
**. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه یزد.
***. دانش‌آموخته تفسیر تطبیقی دانشگاه یزد.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲
- m.h.baroomand@yazd.ac.ir
amirjoudavi@yazd.ac.ir
samiehshahbazi7@gmail.com

طرح مسئله

در تفسیر فرازهای: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمْ» (انعام / ۲۴) و «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام / ۲۸) گروهی از مفسران بیان کذب در قیامت را غیرممکن دانسته و در تفسیر فراز: «كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمْ» (انعام / ۲۴) را به دروغ‌گویی در اثر دیوانه شدن مشرکان از هول روز قیامت (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۴ / ۴۵؛ و ...)، فراموشی مشرکان از شرکشان در دنیا (ابوزهره، بی‌تا: ۵ / ۲۴۷۰؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۳ / ۵۰)، بی‌اطلاعی آنها از اینکه آنچه می‌پرستیدند برحق نبوده (خفاجی، ۱۴۱۷: ۴ / ۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵ / ۱۸۶) و یا اینکه مقصود آیه تکذیب حقایق در دنیا بوده است، (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۱۷؛ رشید رضا، ۱۴۱۴: ۷ / ۳۴۵؛ صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۵۹؛ و ...) حمل کرده‌اند.

این گروه در تفسیر «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام / ۲۸) کذب را مربوط به تکذیب حقایق در دنیا (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۴ / ۴۷۹ - ۴۴۷)، علم خدا به اینکه خلف وعده می‌کنند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۲ / ۱۰۶۸؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱ / ۵۴۰؛ و ...) و تکذیب حشر و معاد در آیه بعد (ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱ / ۲۵۸) می‌دانند. گروه دوم از مفسران معتقد به امکان بیان کذب در قیامت هستند. این دسته از مفسران در تفسیر آیه ۲۴ انعام به موارد زیر اشاره داشته‌اند:

در قیامت مهر بر دهان مشرکان نهاده شده و اعضا و جوارح به کفرشان شهادت می‌دهند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۵۵۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۷ / ۱۰۷؛ و ...)، با دیدن رحمت خدا در قیامت، به طمع مغفرت شرک خود را پنهان می‌کنند (نسفی، ۱۴۱۶: ۲ / ۱۲؛ حسنی واعظ، ۱۳۸۱: ۱۶۹؛ و ...)، با دیدن ورود موحدان به بهشت خود را موحد معرفی می‌کنند (مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ۳ / ۱۹۸۶؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲ / ۴۳۱؛ و ...)، از ترس عذاب روز قیامت عقل خود را از دست داده و دروغ می‌گویند (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۴ / ۴۵؛ و ...)، از باب استغاثه و التماس به درگاه خداوند شرک خود را انکار می‌کنند (عاملی، ۱۳۶۰: ۳ / ۴۰۹)، دروغ‌گویی عادت و ملکه کفار شده و از این‌رو در قیامت هم دروغ می‌گویند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷ / ۵۱ - ۴۹؛ و ...)

همچنین معتقدان به امکان بیان کذب، در تفسیر آیه ۲۸ نظرهایی از این قبیل را مطرح می‌کنند که: مشرکان در عبارت: «يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انعام / ۲۷) آرزوی کذب می‌کنند (بقاعی، ۱۴۲۷: ۶۲۴ - ۶۲۳؛ و ...)، دروغ مشرکان در چیزی غیر از این آرزوست، مثلاً در ادعای آنها به نیکوکار بودن در عالم (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۴۹ - ۴۴۶)، عبارت «يَا لَيْتَنَا...» گویای وعده دروغین مشرکین است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷ / ۵۵ - ۵۱؛ سبزواری، ۱۴۱۹: ۱۳۶؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۷ / ۱۷۲؛ و ...) دروغ از ملکات نفسانی مشرکان شده و لذا در قیامت هم همین رفتار را دارند.

(ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱۹۵؛ علوان، ۱۹۹۹: ۱ / ۲۱۶؛ پانی پتی، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۲۹؛ و ...)

در بررسی آراء مفسران تلاش بر آن است تا روشن شود:

۱. در تفسیر «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ» (انعام / ۲۴) و «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام / ۲۸) چه نظرهایی آورده شده و کدام یک دلایل کافی در اثبات رأی خود دارند؟
۲. بررسی ارتباط میان آیات چه کمکی به روشن تر شدن معنای این فرازها می کند؟
۳. بیان کذب در قیامت ممکن است یا غیرممکن؟
۴. در این دو آیه کذب به چه مورد یا مفهومی بازگشت دارد؟

فرضیه تحقیق بر آن است که با توجه به ارتباط این آیات با آیات اطراف خود و همچنین با توجه به دلایل عقلی، امکان بیان کذب در قیامت نشان داده شده و روشن می شود دروغ گویی مشرکان در زمینه ابراز ایمان است که این زمینه دروغ گویی، از وعده و آرزویی که در آیات اطراف به آن اشاره شده استخراج می شود.

دسته بندی و بررسی آراء مفسران

دسته یکم: معتقدان به عدم امکان بیان کذب در قیامت

۱. علت دروغ گویی زوال عقل یا فراموشی از هول قیامت است.

برخی مفسران در تفسیر آیه ۲۴ با استناد به آیاتی چون «وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ» (حج / ۲) تصویری از سختی و هولناکی قیامت ارائه کرده و با استناد به آن، دروغ گویی مشرکان را نتیجه زایل شدن عقل آنها از هول روز قیامت می دانند. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۴ / ۴۵؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۲ / ۱۹؛ قونوی، ۱۴۲۲، ۸ / ۴۹؛ ابوزهره، بی تا: ۵ / ۲۴۷۰) فخر رازی پس از بیان این رأی از قول جبایی و قاضی، در نقد آن آورده است که چنانچه آنها در زمان بیان دروغ عاقل نباشند مجازات آنها قبیح بوده و این از خداوند بعید است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۵۰۲)

عده ای دیگر همچون ابوزهره و خسروانی (ابوزهره، بی تا: ۵ / ۲۴۷۰؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۳ / ۵۲) با اشاره به آیه دوم سوره حج به سختی عذاب روز قیامت و ترس و هراسی که در آن وجود دارد، اشاره می کنند، اما معتقد هستند مشرکان از ترس آن روز، شرک خود در دنیا را فراموش کرده اند و این طور نیست که بخواهند دروغ بگویند. فخر رازی در رد این رأی که یکی از دلایل جبایی و قاضی در بیان عدم امکان کذب در قیامت است آورده که شرک چیز کوچکی نیست که عاقل هر چقدر هم که زمان بگذرد آن را فراموش کرده باشد، مگر از باب سفسطه. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۵۰۲)

بررسی: در جواب نقد فخر رازی باید گفت: مجازات مشرکان صرفاً مربوط به دروغ آنها در قیامت نیست که در صورتی که در حال زوال عقلی بوده باشند، قبیح محسوب شود، بلکه مشرکان به دلیل شرکشان مجازات می‌شوند، اما باید توجه داشت در هر دو آیه: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمْ» (انعام / ۲۴) و «وَكُوْرُدُوْا لِعَادُوْا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَاِنَّهُمْ لَكَاذِبُوْنَ» (انعام / ۲۸) دروغ‌گویی مشرکان مذمت شده است. چنانچه فردی عقلش زایل شده باشد یا دچار فراموشی شود، اساساً به سخنان غیرواقع او لفظ دروغ اطلاق نمی‌شود. چه رسد به آنکه فرد مجنون یا کم‌حافظه بخواهد به خاطر سخن خود مذمت شود. پس در خصوص این رأی که مفسران گفته‌اند از هول قیامت عقل ایشان زایل شده یا دچار فراموشی شده‌اند، باید به سیاق مذمت در آیه توجه داشت.

۲. مانند مجوس و صابئین خود را مشرک نمی‌دانند، بلکه در دنیا از برحق نبودن خدایانشان آگاه نبوده‌اند. **تفسیر نمونه** در توضیح آیه ۲۴ درباره این رأی چنین آورده است:

در مورد کسانی است که واقعاً خود را مشرک نمی‌دیدند همانند مسیحیان که قائل به خدایان سه‌گانه‌اند و در عین حال خود را موحد می‌پندارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵ / ۱۸۶)

بسیاری از مفسران همین رأی را به طرق مختلف بیان کرده‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۴ / ۹۹: جرجانی، ۱۳۷۸: ۳ / ۴۴: خفاجی، ۱۴۱۷: ۴ / ۶۱)

بررسی: در توضیح این رأی توجه به ارتباط آیات و کلمات درون همان آیه مؤثر بوده و می‌توان گفت: در صورت توجه به ارتباط واژه‌های این آیه، اساساً چنین رأی صادر نمی‌شد. در ابتدای آیه ۲۸ آورده شده که: «بَلْ بَدَا لَهُمْ مَّا كَانُوْا يُحْفَوْنَ مِنْ قَبْلُ» (انعام / ۲۸) این بخش از آیه نشان می‌دهد در این کار تعمد بوده است و این طور نیست که حقیقت را نمی‌دانسته و در اینجا بابت چیزی که نمی‌دانسته‌اند، مجازات می‌شوند.

۳. مقصود آیه تکذیب‌های مشرکان در دنیاست.

نظام الاعرج، آلوسی و رشید رضا در تفسیر «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ اَنْفُسِهِمْ» (انعام / ۲۴) آورده‌اند که: بنگرید آنها چگونه در دنیا به خود دروغ گفته و آلهه‌های دروغین را به جای خدای واحد پرستیده و شفیع خود قرار داده‌اند. (نظام الاعرج، ۱۴۱۶: ۳ / ۶۱: آلوسی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۱۷: رضا، ۱۴۱۴: ۷ / ۳۴۵)

آنها همچنین در توضیح آیه ۲۸ مراد از «وَاِنَّهُمْ لَكَاذِبُوْنَ» (انعام / ۲۸) را حکایت حال مشرکان در دنیا دانسته‌اند که همه حقایق از جمله وحدانیت خداوند، رسالت پیامبر و کتاب آسمانی را تکذیب

بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ» و «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» ... □ ۱۰۷

می‌کنند. البته طوسی بیان می‌کند که این احتمال ضعیف است، چراکه در تمنایی که در آیه ۲۷ ذکر شده مشرکان وعده می‌دهند که «لَا تُكذِبُ يَا آيَاتِ رَبِّنَا وَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». (انعام / ۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۴ / ۴۷۹ - ۴۴۷؛ شیر، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۵۰)

بررسی: در آیه ۲۴ آورده شده است که: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا» (انعام / ۲۴) این یعنی دروغی که بیان می‌کنند مربوط به همان لحظه است. از این گذشته بحث در سیاق قیامت است و از عبارات‌های ذکر شده در آیات اطراف این آیه، این موضوع کاملاً روشن است. وقتی خداوند در آیه ۲۲ می‌فرماید: «أَيْنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ»، (انعام / ۲۲) سؤال درباره شرکاء نمی‌تواند مربوط به دنیا باشد. سپس در آیه ۲۳ در جواب می‌گویند: «قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام / ۲۳) یعنی جواب آن سوال در همان لحظه صادر شده است. یک گفتگو در این میان مطرح است که در قیامت اتفاق می‌افتد.

۴. مربوط دانستن دروغ‌گویی در این آیه به علم خدا و عدم وقوع حقیقی آن در قیامت

بسیاری معتقدند هدف مشرکان در آن ساعت گفتن دروغ نیست اما علم خداوند که محیط به طبیعت آنهاست می‌داند که خلف وعده می‌کنند و اصرار آنها باطل است. لذا آیه تعبیر «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام / ۲۸) را برای آنها به کار می‌برد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴ / ۳۱۱؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۲ / ۱۰۶۸؛ جزایری، ۱۴۱۶: ۲ / ۴۹؛ ابو مسلم اصفهانی، ۲۰۰۹: ۲ / ۱۹۷)

بررسی: در رد این رأی باید به آیه: «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس / ۶۵) اشاره داشت. این آیه نشان می‌دهد در قیامت وقتی مشرکان بنا بر عادت نفسانی خود سعی دارند با دروغ کار خود را پیش ببرند خداوند بر دهان‌های ایشان مهر زده و اعضا و جوارح شهادت می‌دهند؛ یعنی حکمت خدا اقتضا می‌کند ابتدا احساس خود که مفهوم ایمان هم در آن مستتر است (آنچه مفسران آرزو یا وعده کذب معرفی کردند) را بیان کنند تا علیه خودشان «كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ» (انعام / ۲۴) از سخنانشان استفاده شود. وقتی در آیه تصریح می‌شود: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ» (انعام / ۲۴) یعنی دروغی که علیه خودشان می‌گویند. بررسی ارتباط این آیه با آیه ۲۲ همین سوره که می‌فرماید: «ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ» (انعام / ۲۲) نشان می‌دهد این دروغ از آن جهت علیه خودشان است که قبلاً بر شرکائشان اصرار داشته‌اند و حال در روز قیامت با دروغی که از سر استغاثه یا هر دلیل دیگری می‌گویند: «قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام / ۲۳) تایید می‌کنند که آن شرکاء هیچ کاره بوده‌اند. متن آیه ۲۴ نیز این موضوع را با عبارت: «وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَقْتُرُونَ» (انعام / ۲۴) تایید می‌کند.

در توضیح این مطلب که دروغ‌گویی و انکار این کفار در قیامت ظهور خارجی دارد، ذیل این آیه در تفسیر اثنی عشری آورده شده است که:

ابوسعید خدری از حضرت پیغمبر ﷺ روایت نموده که چون روز قیامت شود حق تعالی بر کافران علامتی پدید آرد تا مردمان بدانند ایشان گناهکارند و چون با وجود این علامت انکار آن را نمایند، ملائکه بر آنها گواهی دهند و چون در انکار اصرار کنند، پیغمبران بر ایشان شهادت دهند و چون باز ابا کنند، بفرماید تا همسایگان بر آنها گواهی دهند و چون در انکار راسخ شوند، حق تعالی اعضای آنها را ناطق سازد تا بر آنها گواهی دهند. نزد بعضی همچنان که جوارح کافران بر افعال بد ایشان گواهی دهد، اعضای مؤمنان بر طاعت ایشان شهادت ده. (شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱ / ۹۱)

همچنین سیاق آیات ۲۲ تا ۲۴ که در آن سؤال و جواب میان کفار و پرسش‌کنندگان حقیقت اتفاق می‌افتد و همینطور واژه «انظرو» (انعام / ۲۴) در این آیه نشان از آن است که این دروغ‌گویی ظهور بیرونی داشته است.

۵. «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» تکذیب مشرکان درباره حشر و معاد در آیه ۲۹ است.

ابن عطیه، ابن جزی و ابوحیان در تفسیر آیه ۲۸ مفهوم کذب در آن را با آیه بعد از خود مرتبط دانسته و عبارت «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام / ۲۸) را مربوط به انکار حشر و معاد از طرف مشرکان می‌دانند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۸۲؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱ / ۲۵۸)

بررسی: نظم منطقی کلام حکم می‌کند که ابتدا موضوعی را بیان کرده و سپس درباره صدق و کذب آن اظهار نظر شود. به نظر می‌رسد این دسته از مفسران چون نتوانسته‌اند مورد دروغ را در اینجا روشن کنند، مجبور شده‌اند نظم منطقی را نادیده گرفته و به آیات بعدی رجوع کنند.

دسته دوم: معتقدان به امکان بیان کذب در قیامت

۱. دروغ به طمع ورود به بهشت

در تفسیر آیه ۲۴ این قول به ابن عباس نسبت داده شده است که: «تُمْ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام / ۲۳) درباره روز قیامت است؛ یعنی وقتی مشرکان ببینند رحمت و مغفرت خدای متعال شامل حال مومنان می‌شود، بعضی بر بعض دیگر می‌گویند: «شُرک خود را بپوشانیم تا با موحدان رستگار شویم». پس در جواب خداوند که می‌پرسد: «أَإِنَّ شُرَكَاءَكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ»

بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ» و «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» ... □ ۱۰۹

(انعام / ۲۲) می‌گویند: «وَاللَّهِ رَبُّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام / ۲۳) و با گفتن دروغ مهر بر دهان‌های آنها می‌خورد و جوارح ایشان بر کفرشان شهادت می‌دهند. همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس / ۶۵) پس می‌فرماید: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ». (انعام / ۲۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱ / ۵۵۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۷ / ۱۰۷؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۹۹؛ ابن‌ادریس، ۱۴۰۹: ۱ / ۲۶۸ و ...)

بررسی: در بررسی آراء این دسته از مفسران و دسته‌های مشابه که دروغ را به طمع بهشت یا ترس از عذاب می‌دانند، باید گفت: استناد به آیه ۶۵ یس می‌تواند نشان دهد مشرکان دروغی گفته‌اند که مهر بر دهانشان نهاده شده است و این نکته در اثبات امکان بیان کذب در قیامت، می‌تواند راهگشا باشد، اما درباره اینکه چه دروغی گفته شده یا به عبارت دیگر درباره چه چیزی دروغ می‌گویند، این رأی راهگشا نیست. اینکه بگویند: «شُرک خود را بپوشانیم تا با موحدان رستگار شویم» مربوط به انگیزه دروغ است نه خود دروغ و این در حالی است که یکی از نکات آیه آن است که چه دروغی در اینجا مطرح است یا به عبارتی در چه زمینه‌ای دروغ گفته شده است. پس این دسته از آراء هرچند تا حدودی در بحث امکان بیان کذب راهگشاست، نمی‌تواند جواب‌گوی اختلاف‌های مطرح‌شده درباره زمینه دروغ در این آیه باشد.

۲. تکذیب شرک در دنیا از باب استغاثه و التماس به خداست.

ابوالفتوح رازی ذیل آیه ۲۴، در توضیح ناامیدی و بیچارگی مشرکان در روز قیامت می‌نویسد:

لفظ کذب مراد به او خیبت است و آن‌چنان باشد که چون اهل دوزخ را در عذاب کشند استغاثت کنند به کلماتی که گمان برند که ایشان را در آن نجاتی خواهد بود چنان‌که حکایت فرمود از ایشان که گویند: «رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا» - الایه، و قوله: «لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ» (سبأ / ۳۱) و چنان‌که: «رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ نَجْعَلُهُمْ تَحْتَ أَقْدَامِنَا» (فصلت / ۲۹) - الایه، [و قوله: لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ] این از آن جمله است که بر سبیل تعلل گویند: «وَاللَّهِ رَبُّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام / ۲۳) و پندارند که این گفتار ایشان را سود خواهد داشتن چون ظن و امل ایشان دروغ شود نومید شوند حق تعالی از اینجا گفت: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ»، (انعام / ۲۴) ای کیف خابوا فیما ائتموا و کذب ظنهم و املهم فیہ. (رازی، ۱۴۰۸: ۷ / ۲۵۶)

بررسی: اینکه از طرف این دسته از مفسران موضوع استغاثه و التماس مطرح شده است، شاید

بتوان گفت علت دروغشان مضطر بودن است اما این رأی، باز هم مورد دروغ در این آیه را نشان نمی‌دهد؛ یعنی روشن نمی‌کند آنها در چه مورد و در چه زمینه‌ای دارند دروغ می‌گویند.

۳. بیان کذب از باب آنکه ملکه نفسانی آنهاست.

علامه (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷ / ۵۱) ذیل آیه ۲۴ ابتدا با اشاره به آیات: «يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْهُمْ شَيْءٌ» (مومن / ۱۶) و «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» (آل عمران / ۳۰) ثابت می‌کند سوگند دروغ در قیامت، برای مشرکان سودی ندارد. سپس با اشاره به اینکه مسئله دروغ‌گویی کفار و سوگند دروغ خوردنشان در چند جای قرآن ذکر شده، توضیح می‌دهد که هرچند این دروغ‌ها باعث پوشاندن حقیقت نمی‌شود، اما کفار از آنجا که در دنیا عادت کرده‌اند با دروغ کارهای خود را پیش ببرند، دروغ‌گویی ملکه‌ای راسخ در دل‌هاشان شده و در روز قیامت که باطن افراد آشکار می‌شود، از باطن آنها به جز دروغ صادر نمی‌شود. برخی دیگر از مفسران نیز رأی شبيهه یا نزدیک به این نظر دارند. (امین اصفهانی، بی‌تا: ۵ / ۲۰؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۳ / ۳۶۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۵ / ۲۷۳)

همچنین در آیه ۲۸، برخی مفسران دروغ را به ملکه نفسانی شدن دروغ‌گویی برای مشرکان نسبت می‌دهند. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱۹۵؛ علوان، ۱۹۹۹: ۱ / ۲۱۶؛ پانی پتی، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۲۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۳ / ۴۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۶ / ۶۳؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۵ / ۲۷۹؛ میدانی، ۱۳۶۱: ۱۱ / ۲۰۱؛ صابونی، ۱۴۲۱: ۱ / ۳۵۵)

بررسی: واژه «عادت» برگرفته از عود کردن و بازگشت داشتن به آنچه قبلاً نفس انجام می‌داده است، در متن آیه ۲۸ آورده شده که می‌فرماید: «وَكَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ». (انعام / ۲۸) اینکه خداوند در این آیه و آیه ۲۴ به بیان کذب در قیامت اشاره داشته و علامه در تفسیر این دو آیه به عادت و ملکه نفسانی بودن دروغ در نفس مشرکان اشاره می‌کند، با توجه به تصریح قرآن در اینکه اگر فرصت داده شوند به رفتار قبلی باز می‌گردند، می‌تواند شاهدهی باشد بر اینکه آنها در بیان ایمانشان دروغ‌گو هستند. هرچند این رأی نشان می‌دهد دروغ ملکه نفسانی مشرکان است اما در اینجا نیز مفسر اشاره نمی‌کند که مشرکان در چه زمینه‌ای دروغ می‌گویند. پس این رأی تا آنجا که دروغ‌گویی مشرکان را نشان می‌دهد و آن را از ملکات نفسانی آنها می‌داند، قابل قبول است، اما در تکمیل آن باید روشن گردد دروغ در این آیه به چه چیزی بر می‌گردد.

۴. تکذیب مربوط به آرزوست.

در تفسیر آیه ۲۸، مفسران درباره آرزو به دو دسته تقسیم شده‌اند. دسته‌ای از مفسران معتقدند آرزو

نمی‌تواند دروغ باشد؛ چون از نوع انشاء است و صدق و کذب در آن راه ندارد، پس دروغ‌گویی آنها در امور دیگر است، نه در آنچه آرزو کرده‌اند؛ مثلاً دروغ در اینکه آنها مدعی‌اند که در دنیا کار نیکو کرده و در اعتقاد خود خطا نداشته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۴۹ - ۴۴۶)

دسته‌ای دیگر از مفسران، که معتقدند آرزو قابلیت صدق و کذب دارد، تکذیب ذکرشده در این آیه را مربوط به آرزوی مشرکان در آیه قبل می‌دانند که گفته‌اند: «يَا لَيْتَنَّا نُرَدُّ وَكَا نُكْذِبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». (انعام / ۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵ / ۲۰۱؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۹ / ۳۸۱؛ طیب، ۱۳۶۹: ۵ / ۴۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۶ / ۶۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲ / ۳۱۱) مکارم شیرازی در این خصوص می‌نویسد:

ممکن است گفته شود آرزو کردن چیزی نیست که دروغ و راست در آن باشد، و به اصطلاح از قبیل «انشاء» است و در انشاء صدق و کذب وجود ندارد، ولی این سخن درست نیست؛ زیرا بسیاری از انشاءها یک مفهوم خبری به همراه دارد که صدق و کذب در آن راه می‌یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵ / ۲۰۱)

همچنین طیب در **اطیب البیان** در این باره می‌نویسد:

و اشکال به اینکه کذب از صفات خیر است و وعد از مقوله انشاء است، بسیار واهی است؛ زیرا صدق و کذب در هر مقامی به مناسبت آن مقام معنایی دارد؛ در باب وعد، وفاء به آن را صدق می‌نامند و تخلف از آن را کذب می‌گویند، خداوند می‌فرماید: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ الْإِيه». (مریم / ۵۵؛ طیب، ۱۳۶۹: ۵ / ۴۵)

برخی مفسران (حائری طهرانی، ۱۳۳۸: ۴ / ۱۵۶) آورده‌اند که ممکن است منظور، دروغ حقیقی نباشد و آنها آرزوی کاذب داشته باشند؛ یعنی آرزویی که هرگز ممکن نیست عملی شود. یا آرزویی برخلاف صواب که عرب به کسی که آرزوی غیر ممکنی کرده می‌گوید: «کذب املک؛ آرزویت دروغ است».

بررسی: اینکه در اینجا آرزویی بیان شده است از ارتباط این آیه با آیه قبل که می‌فرماید: «يَا لَيْتَنَّا نُرَدُّ وَكَا نُكْذِبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انعام / ۲۷) روشن است. اما آنچه جای بحث دارد آن است که «وَ إِِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام / ۲۸) که در آیه ۲۸ مطرح شده است مربوط به آرزوست یا چیزی غیر از آن. در توضیح باید گفت زمانی که فرد آرزویی می‌کند، این آرزو همزمان با خود یک احساس یا مفهوم دیگر را حمل می‌کند. آنچه از آرزوی مطرح شده در آیه ۲۷ برداشت می‌شود، آن است که فرد با یک احساس ایمان این حرف را زده است، که ای کاش برمی‌گشتیم؛ یعنی این آرزو همزمان با

خود یک مفهوم ایمان و تسلیم را حمل می‌کند. پس اینکه مفسران بر سر صدق یا کذب آرزو بحث می‌کنند، این مسئله در این آیه مطرح نیست. آرزوی آنها برای بازگشت صادق است، اما آنچه در اینجا صادقانه مطرح نمی‌شود و واژه کذب به آن تعلق می‌گیرد، همان ابراز ایمانی است که آرزوی بیان شده در این آیه با خود حمل می‌کند و هیچ‌یک از مفسران به آن اشاره‌ای نداشته‌اند.

۵. تکذیب مربوط به وعده است.

اکثر مفسران (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱ / ۴۴۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸ م: ۳ / ۲۱؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۱ / ۲۲۳؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۵۰؛ میدی، ۱۳۷۱: ۳ / ۳۲۴؛ ابن‌عبدالسلام، ۱۴۲۹: ۱ / ۱۸۷؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۲۲۲؛ محلی، ۱۴۱۶: ۱۳۴؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ۲ / ۱۱؛ ابن‌عادل، ۱۴۱۹: ۸ / ۹۶؛ کاشانی، بی‌تا: ۳ / ۳۷۸؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۱ / ۴۸۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۱۵؛ اشکوری، ۱۳۷۳: ۱ / ۷۴۷؛ ابن‌ابی‌جامع، ۱۴۱۳: ۱ / ۴۱۵؛ ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۲ / ۱۱۰؛ شبیر، ۱۴۱۰: ۱۵۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۲ / ۱۲۴؛ صاوی، ۱۴۲۷: ۱ / ۴۳۹؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۶ / ۶۰؛ مراغی، بی‌تا: ۷ / ۱۰۰؛ سلطان‌علی‌شاه، ۱۴۰۸: ۲ / ۱۲۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳ / ۱۷۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۴ / ۳۳۸؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲: ۳ / ۳۳۴؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳ / ۲۴۹؛ نهایندی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۷۵؛ نووی، ۱۴۱۷: ۱ / ۳۱۳؛ کرمی، ۱۴۰۲: ۳ / ۱۳۳؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۰۱؛ شحاته، ۱۴۲۱: ۴ / ۱۲۵۱؛ دخیل، ۱۴۲۲: ۱۷۱؛ شعراوی، ۱۹۹۱: ۶ / ۳۵۸۱؛ حوی، ۱۴۲۴: ۳ / ۱۶۱۲) با توجه به وعده ذکر شده در آیه ۲۷ که گفته‌اند: «يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَكَانَ كُذِّبَ يَا أَيَّتَ رَبَّنَا وَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انعام / ۲۷) دروغ در آیه ۲۸ را وعده دروغ تفسیر کرده‌اند. علامه در توضیح این رأی و تکمیل رأی قبلی آورده است: «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام / ۲۸)؛ یعنی در اینکه گفتند: «يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَ لَا نُكذَّبُ يَا أَيَّتَ رَبَّنَا ...» دروغ می‌گویند، هر چند که تمنی انشاء است و صدق و کذب در آن راه ندارد، اما از آنجا که گفته‌اند: «نُرَدُّ وَ لَا نُكذَّبُ» و نگفتند: «يَا لَيْتَنَا نَعُودُ وَ لَا نُكذَّبُ» پس تنها انشاء نیست تا صدق و کذب در آن راه نیابد، بلکه هم انشاء (تمنی) است و هم وعده؛ یعنی هم تمنای برگرداندن است و هم وعده به اینکه اگر برگردیم ایمان آورده عمل صالح می‌کنیم. همچنان که در آیه شریفه: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ» (سجده / ۱۲) و آیه: «وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ» (فاطر / ۳۷) به این دو جهت تصریح کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷ / ۵۵)

بررسی: بحث وعده، آرزو و ابراز ایمان در این آیه بسیار به هم نزدیک است. در توضیح باید گفت هر چند موضوع وعده در این آیه قابل توجیه است و با آیات دیگری هم می‌توان آن را تایید کرد، اما

در متن «يَا لَيْتَنَّا نُرَدُّ وَلَا نُكْذِبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انعام / ۲۷) غیر از وعده، مسئله‌ای مهم‌تر که همان ابراز ایمان است هم مطرح شده است. در اینجا وعده و آرزو در خود مفهومی را حمل می‌کند که از آن دو ریشه‌ای‌تر است و این مفهوم همان ابراز ایمان است. پس آنچه در آیه ۲۸ به آن اشاره می‌شود: «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» و مشرکین در آن صادق نیستند و درباره آن دروغ می‌گویند، نه آرزوی مشرکان است و نه وعده آنها، بلکه موضوع ابراز ایمان از طرف مشرکان است، هرچند که بحث ایمان و وعده در اینجا بسیار به هم نزدیک است. اینکه در اینجا دروغی گفته شده در آراء قبلی نیز نشان داده شده و امکان بیان کذب در قیامت را هم نشان می‌دهد. اما اینکه در چه زمینه‌ای دروغ می‌گویند، آیا آرزویشان دروغ است؟ آرزو در اینجا دروغ نیست چون حقیقتاً آرزوی بازگشت به دنیا را دارند، آیا وعده دروغ می‌دهند؟ موضوع وعده دروغ می‌تواند در اینجا مطرح باشد اما آنچه در این آیات بدیهی است و قبل از وعده می‌توان به آن پرداخت این است که مشرکان در اینجا ابراز پشیمانی از بی‌ایمانی خود کرده و با این کلماتی که شبیه به وعده یا آرزوست، می‌خواهند بگویند پشیمانیم و ایمان آورده‌ایم. بعد از این پشیمانی و ابراز ایمان است که مسئله آرزوی بازگشت به دنیا یا وعده ایمان آورده در صورت بازگشت مطرح می‌شود. پس آنچه قطعاً درباره آن دروغ می‌گویند احساس ایمان یا ابراز ایمان است که از طرف مفسران مطرح نشده است.

دسته سوم: معتقدان به امکان بیان کذب در برخی از مراحل قیامت

طبرسی و مکارم شیرازی به نکته جدیدی در میان آراء دوگانه اشاره کرده‌اند و آن حالت سومی است که بیان می‌کند در قیامت مراحل مختلفی وجود دارد که در برخی مراحل می‌توان دروغ گفت و در برخی امکان آن سلب شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۴۱) مکارم شیرازی در توضیح این رأی چنین آورده است:

در روز قیامت مراحل وجود دارد، در مراحل نخستین مشرکان خیال می‌کنند می‌توانند با دروغ گفتن از کیفرهای دردناک الهی رهایی یابند، لذا طبق عادت دیرینه خویش متوسل به دروغ می‌شوند، ولی در مراحل بعد که می‌فهمند روزنه‌ای برای فرار از این طریق وجود ندارد، به اعمال خود اعتراف می‌نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵ / ۱۸۷ - ۱۸۸)

بررسی: مفسران این دسته دلیلی برای رأی خود بیان نکرده‌اند و هیچ آیه، روایت و یا شاهد عقلی برای اثبات این موضوع ارائه نمی‌شود.

توضیح آیات ۲۴ و ۲۸ در ادامه آراء مفسران

مفسران در بررسی آیات ۲۴ و ۲۸ سوره انعام در سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شوند. دلایل معتقدان به عدم امکان بیان کذب در قیامت مردود بوده تک‌تک این موارد درجای خود به تفصیل توضیح داده شده و رد شد و نتیجه آن است که بیان کذب در قیامت ممکن است.

دسته‌ای دیگر که معتقد به امکان بیان کذب در قیامت هستند که از میان این آراء طمع بهشت، از باب استغاثه دروغ گفتن و عادت به دروغ داشتن، از انگیزه‌ها و عادات سخن می‌گویند و روشن نمی‌کنند تکذیب در آیه به چه مسئله‌ای بر می‌گردد. دو گروه دیگر که دروغ را مربوط به آرزو و وعده می‌دانند قابل قبول بوده و از میان این دو، رأی که دروغ مشرکان را مربوط به وعده آنها مطرح کرده، برتر است اما کامل نیست.

در توضیح باید گفت گاه انسان وعده می‌دهد که اگر چنان شود من چنین می‌کنم و همان‌طور که پیشتر توضیح داده شد در وعده فرد به دنبال نجات خودش است و بنابراین ممکن است در زمان بیان وعده صادق باشد اما بعد به وعده خود عمل نکند. پس نمی‌توان گفت در آن لحظه که وعده می‌دهند به‌طور قطع دروغ می‌گویند. درحالی‌که با بررسی ریشه‌ای‌تر در می‌یابیم آنها در احساس درونی و ابراز ایمانی - که در بطن این آرزو یا وعده حمل می‌شود - است که صادق نیستند؛ یعنی آنها دروغ می‌گویند که ایمان آورده‌اند. ابراز ایمان مسئله‌ای نیست که مانند وعده در آن لحظه بتوانند در آن صادق باشند اما بعد به آن عمل نکنند. بنابر این وقتی در آیات بعدی تصریح می‌شود که آنها دروغ می‌گویند این دروغ‌گویی به ابراز ایمان این مشرکان بر می‌گردد؛ به عبارت دیگر ما می‌توانیم به کسی صادقانه وعده‌ای برای آینده بدهیم، اما پس از گذر زمان به وعده خود عمل نکنیم. در لحظه بیان وعده، صادق بوده‌ایم و نمی‌توان درباره آن گفت: «وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، (انعام / ۲۸) ولی بعداً به هر دلیل به آن عمل نکرده‌ایم، اما این حالت درباره مسئله ابراز ایمان هرگز رخ نمی‌دهد. نمی‌توانیم در لحظه بگوییم «خدایا به تو ایمان آوردم» و درحالی‌که در آن صادق هستیم خداوند بگوید دروغ می‌گویند. بنابراین بیان ایمان در لحظه اتفاق می‌افتد و مانند وعده درباره آینده نیست که تبدیل به دروغ شود. وقتی خداوند در آیه تصریح می‌کند که دروغ می‌گویند این باید درباره مسئله‌ای باشد که قطعاً دروغ است. نه درباره وعده که ممکن است هم اکنون راست باشد اما در آینده تبدیل به دروغ شود. هرچند که معنای وعده و ابراز ایمان در این آیه بسیار به هم نزدیک است.

در بخش «يَا لَيْتَنَّا تُرَدُّوْا وَكَانَ كُذِّبَآيَاتِ رَبِّنَا وَتَكُوْنُ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ» (انعام / ۲۷) مشرکان حال و احساسی را بیان می‌کنند که انکار ما پذیرفته‌ایم که اشتباه می‌کردیم و ای کاش برمی‌گشتیم و

تکذیب نمی‌کردیم. مفهومی که در این بیان نهفته، آن است که اشتباه خود نسبت به تکذیب را گردن می‌گیرند، اما آنچه را که به‌عنوان ایمان مطرح می‌کنند و می‌گویند دیگر حق را پذیرفته‌ایم، به استناد آیه ۲۸ که می‌فرماید: «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام / ۲۸)، دروغ است و توجیهی است برای رهایی از عذاب. چنانچه این افراد در ابراز ایمانی که در این آرزو یا وعده آورده شده است، صادق بودند دیگر در ادامه آیه تکذیب نمی‌شدند. در تشخیص مرز باریک بین این ابراز ایمان و بیان آرزو باید توجه داشت آنها در آرزوی خود صادقند و حقیقتاً آرزو دارند بازگردند و از شرک و تکذیب آیات الهی پشیمانند اما چون در قیامت و شرایط عذاب قرار گرفته‌اند، این آرزو و پشیمانی را دارند و یا به تعبیر مفسر *المیزان* این وعده را می‌دهند، اما اگر به دنیا برگردند: «لَعَادُوا لِمَا نُهُوا». (انعام / ۲۸)

وقتی فرد بگوید ای کاش باز می‌گشتم و وعده کند که: «وَلَا تُكذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انعام / ۲۷) به این معناست که می‌خواهم به جانب خدا بیایم و احساسی بر مبنای ایمان در سخن او آشکارست. این ابراز ایمان همان است که خداوند می‌فرماید در آن صادق نیستند. اگر این دروغ‌گویی را مربوط به وعده بدانیم، که در آن صدق و کذب هم صادق است، وعده‌ای که می‌دهند نشان از آن دارد که حقیقت را پذیرفته است، اما این وعده یا آرزو در باطن خود یک ابراز ایمان را دارد که به استناد آیه بعد می‌بینیم حقیقت را نپذیرفته و کاذبون خوانده می‌شوند. هرچند مفسران دسته اول که زمینه دروغ‌گویی را آرزو و یا وعده معرفی کرده‌اند تا حدی مقصود آیه را رسانده‌اند، اما هیچ‌یک از مفسران به ابراز ایمانی که در این وعده یا آرزو است اشاره نداشته‌اند. در حقیقت این وعده یا آرزو نشان از یک بیان ایمان در مشرکان دارند که دروغ مشرکان به این ابراز ایمان بازگشت دارد. پس در این آیات با توجه به ارتباط میان آیات با آیات قبل و بعد و با توجه به ارتباط میان واژه‌های درون همان آیات ۲۴ و ۲۸ می‌توان آراء مفسران را نقد و بررسی کرد و آراء برتر را تکمیل نمود.

کاربرد بررسی ارتباط آیات در نقد آراء مفسران و تکمیل نظر نهایی

همان‌طور که در بررسی آراء آورده شده توجه با ارتباط میان آیات ۲۴ و ۲۸ با دیگر آیات و همچنین ارتباط میان واژه‌های درون همین آیات از طرفی در نقد آراء پراکنده و از طرف دیگر در تشخیص رأی صحیح تا حد زیادی به کمک مفسر می‌آید. در اینجا فهرست‌وار به مواردی که به کمک ارتباط آیات توانستیم معنای این دو آیه را روشن کنیم، اشاره خواهیم داشت.

لحن مذمت در آیات ۲۴ و ۲۸ و آیات قبل و بعد آنها (آیات ۲۲ و ۲۳ و ۲۷) در نقد رأی مفسران مبنی

بر زوال عقل مشرکان و فراموشی مشرکان از شرکشان در دنیا، به کمک مفسر می‌آید. (دسته یکم: ۱)
در نقد آراء دسته‌ای از مفسران که مشرکان را مانند مجوس و صابئین بی‌خبر از شرک خود می‌دانند توجه به ابتدای آیه ۲۸ که می‌فرماید: «بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُحْفُونَ مِنْ قَبْلُ» (انعام / ۲۸) و ارتباط آن با کل آیه موضوع را روشن می‌کند. (دسته یکم: ۲)

ارتباط میان آیات ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ در بیان سؤال و جوابی که با مشرکان در قیامت رخ داده، همچنین توجه به عبارت «أَيْنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ» (انعام / ۲۲) که تنها می‌تواند در سیاق قیامت پرسیده شود، در رد رای مفسران مبنی بر اینکه دروغ‌گویی مشرکین در دنیاست و نه در قیامت، به کمک مفسر می‌آید. (دسته یکم: ۳)

در رد رای مفسرانی که دروغ در قیامت را غیرممکن خوانده و آیه را به علم خدا به دروغ‌گویی مفسران تفسیر کرده‌اند می‌توان از ارتباط عبارت «كَذَّبُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ» و واژه «انظُرْ» با دیگر فرازهای آیه کمک گرفت. (دسته یکم: ۴)

در آیه ۲۴ دروغ‌گویی مشرکین بر علیه خودشان «كَذَّبُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ» (انعام / ۲۴) با توجه به ارتباط میان آیه ۲۴ و آیات ۲۲ و ۲۳ نشان داده شد. (دسته یکم: ۴)

ملکه نفسانی بودن دروغ با توجه به واژه «لَعَادُوا» (انعام / ۲۸) در آیه ۲۸ و ارتباط آن با ابراز ایمان (یا آرزو و وعده دروغ) در آیه ۲۷ نشان داده شد. (دسته دوم: ۳)

کذب معناشده در آیه ۲۸ «لَكَذِبُونَ» (انعام / ۲۸) با توجه به آرزو، وعده یا ابراز ایمانی «يَا كَيْتَنَا تُرَدُّوْا وَكَانَ كُذِّبَ يَا أَيَّتُهَا رِيْنَا» (انعام / ۲۷) که در آیه ۲۷ آورده شده توضیح داده می‌شود. (دسته دوم: ۴)

نتیجه

در بررسی آراء مفسران در آیات ۲۴ و ۲۸ دسته‌ای از آراء که معتقد به عدم امکان بیان کذب در قیامت هستند به دلایلی همچون زوال عقل یا فراموشی از ترس عذاب روز قیامت، آگاه نبودن مشرکان از شرکشان مانند مجوس و صابئین، اشاره به دروغ‌های دنیوی مشرکان، در علم خدا بودن این دروغ و عدم وقوع آن در قیامت و اینکه دروغ مربوط به آیه ۲۹ و در زمینه حشر و معاد است استناد کرده‌اند. کلیه این دلایل با استنادهایی به ارتباط آیات و ارتباط واژگان درون این دو آیه و بعضاً با دلایل عقلی رد شد. دسته دوم از مفسران که بیان کذب در قیامت را ممکن می‌دانند به دلایلی از جمله دروغ‌گویی به طمع بهشت، از باب استغاثه، ملکه نفسانی بودن دروغ برای مشرکان، دروغ بودن آرزو یا وعده بازگشت به دنیا استناد کرده‌اند. از این میان سه دلیل اول یا به انگیزه دروغ اشاره دارند یا علت و عادت را بیان

می‌کنند اما روشن نکرده‌اند که دروغ در این آیه مربوط به چه موردی است و مشرکان در چه زمینه‌ای دروغ گفته‌اند. دو رأی آخر که اشاره به آرزو یا وعده دروغ دارند، قابل قبول است با این تفاوت که مفسران اشاره نکرده‌اند که دروغ در این آیه به مفهومی تعلق می‌گیرد که آرزو و یا وعده ذکر شده در آیه ۲۷ با خود حمل می‌کنند و نه خود آرزو یا وعده دروغ؛ چراکه آرزوی بازگشت در جای خود هست و دروغ هم نیست. وعده نیز هرچند در این آیه قابل اثبات است، اما می‌تواند برای رهایی از عذاب باشد، ولی اینکه مشرکان می‌گویند ایمان آورده ایم و ابراز پشیمانی می‌کنند به استناد آیه ۲۸ که می‌فرماید: «وَكُوْرُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَأَنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، (انعام / ۲۸) یعنی در ابراز ایمانشان صادق نیستند. هرچند بحث ابراز ایمان و وعده بسیار به هم نزدیک است. توجه به ارتباط میان واژه‌ها و آیات در تفسیر این آیه از طرفی در نقد و بررسی آراء قبلی و از طرف دیگر در اثبات رأی نهایی به کمک مفسر می‌آید.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید.
- آل‌غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲ ق، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌ابی‌جامع، علی بن حسین، ۱۴۱۳ ق، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دار القرآن الکریم.
- ابن‌ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *المنتخب من تفسیر القرآن و النکت المستخرجه من کتاب التبیان*، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن‌جزی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ ق، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت، شرکة دار الأرقم بن ابی‌الأرقم.
- ابن‌عادل، عمر بن علی، ۱۴۱۹ ق، *اللباب فی علوم الکتاب*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن‌عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، ۱۴۲۹ ق، *تفسیر العز بن عبد السلام*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌عجیبه، احمد، ۱۴۱۹ ق، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره، حسن عباس زکی.
- ابن‌عربی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ ق، *رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن*، دمشق، مطبعة نصر.
- ابن‌عطیة، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحور الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- ابوحيان، محمد بن يوسف، ۱۴۰۷ ق، *تفسير النهر الماد من البحر المحيط*، بيروت، دار الجنان.
- ابوزهره، محمد، بی تا، *زهرة التفاسیر*، بيروت، دار الفكر.
- ابومسلم اصفهانی، محمد بن بحر، ۲۰۰۹ م، *موسوعة تفاسیر المعتزلة*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- اشكوری، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد.
- امین اصفهانی، نصرت بیگم، بی تا، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، *تفسیر جامع*، تهران، کتابخانه صدر.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر، ۱۴۲۷ ق، *نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- پانی پتی، ثناء الله، ۱۴۱۲ ق، *التفسیر المظهری*، کویته، مكتبة رشديّة.
- ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ ق، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران، برهان.
- جرجانی، عبدالقاهر، ۱۴۳۰ ق، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، عمان، دار الفكر.
- جزایری، ابوبکر جابر، ۱۴۱۶ ق، *ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبير*، مدینه منوره، مكتبة العلوم و الحكم.
- جزایری، نعمت الله بن عبدالله، ۱۳۸۸، *عقود المرجان فی تفسیر القرآن*، قم، نور وحی.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، *تفسیر كوثر*، قم، هجرت.
- حائری طهرانی، علی، ۱۳۳۸، *مقننات الدور*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- حسنی واعظ، محمود بن محمد، ۱۳۸۱، *دقائق التأویل و حقائق التنزیل*، تهران، میراث مكتوب.
- حسینی همدانی، محمد، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران، لطفی.
- حوی، سعید، ۱۴۲۴ ق، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دار السلام.
- خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰ ق، *تفسیر خسروی*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد، ۱۴۲۵ ق، *تفسیر السراج المنیر*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- خطیب، عبدالکریم، ۱۴۲۴ ق، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بيروت، دار الفكر العربی.
- خفاجی، احمد بن محمد، ۱۴۱۷ ق، *حاشیة الشهاب المسماء عناية القاضی و كفاية الراضی علی تفسیر البیضاوی*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- دخیل، علی محمد علی، ۱۴۲۲ ق، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بيروت، دار التعارف.
- دینوری، عبدالله بن محمد، ۱۴۲۴ ق، *الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *التفسیر الكبير / مفاتیح الغیب*، بيروت، دار إحياء التراث العربی.

- رشید رضا، محمد، ۱۴۱۴ ق، تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار، بیروت، دار المعرفة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ ق، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنہج، دمشق، دار الفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی.
- سبزواری، محمد، ۱۴۱۹ ق، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دار التعارف.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، ۱۴۰۸ ق، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ ق، بحر العلوم، بیروت، دار الفکر.
- سید قطب، ۱۴۲۵ ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
- سیواسی، احمد بن محمود، ۱۴۲۷ ق، عیون التفاسیر، بیروت، دار صادر.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات.
- شبر، عبدالله، ۱۴۰۷ ق، الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین، کویت، شرکتة مكتبة الالفین.
- شبر، عبدالله، ۱۴۱۰ ق، تفسیر القرآن الکریم، قم، دار الهجرة.
- شحاته، عبدالله محمود، ۱۴۲۱ ق، تفسیر القرآن الکریم، قاهره، دار غریب.
- شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ ق، فتح القادیر، دمشق، دار ابن کثیر.
- صابونی، محمد علی، ۱۴۲۱ ق، صفوه التفاسیر، بیروت، دار الفکر.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم، فرهنگ اسلامی.
- صاوی، احمد بن محمد، ۱۴۲۷ ق، حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق، ۱۴۲۰ ق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اربد، دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، تفسیر عاملی، تهران، کتابفروشی صدوق.
- علوان، نعمة الله بن محمود، ۱۹۹۹ م، الفواتح الإلهیه و المفاتيح الغیبیة، قاهره، دار رکابی.

- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر.
- قاسمی، جمال‌الدین، ۱۴۱۸ ق، *محاسن التأویل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۵، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، مرکز چاپ و نشر.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قونوی، اسماعیل بن محمد، ۱۴۲۲ ق، *حاشیه القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی و معه حاشیه ابن‌التمجید*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- کاشانی، فتح‌الله، بی تا، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- کرمی، محمد، ۱۴۰۲ ق، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، قم، علمیه.
- ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶ ق، *تأویلات أهل السنه*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- محلی، جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبب الحسین علیه السلام.
- مراغی، احمد مصطفی، بی تا، *تفسیر المواقی*، بیروت، دار الفکر.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، *التفسیر الکاشف*، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مکی بن حموش، ابومحمد، ۱۴۲۹ ق، *الهدایة إلی بلوغ النهایة*، شارجه، جامعه الشارقه، کلیه الدراسات العلیا و البحث العلمی.
- میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، *کشف الاسرار و عدة الابوار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، تهران، امیر کبیر.
- میدانی، عبدالرحمن حسن جنبکه، ۱۳۶۱ ش، *معارج التفکر و دقائق التدبر*، دمشق، دار القلم.
- نسفی، عبدالله بن احمد، ۱۴۱۶ ق، *مدارک التنزیل و حقائق التاویل*، بیروت، دار النفائس.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- نهاوندی، محمد، ۱۳۸۶، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- نووی، محمد، ۱۴۱۷ ق، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۵ ق، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دار القلم.